

مقاله پژوهشی

واکاوی نسبت زیارت و گردشگری با رویکرد کل نگر بر مبنای روایت سفرنامه‌ها

مهدی حسین‌زاده^{۱*}، بهادر رادمنش^۲

۱. پژوهشگر دکتری معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.
۲. کارشناسی مهندسی شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد مشهد، مشهد، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۳ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۱

چکیده مشهد شهری است با شاخصه «زیارتی»، به طوری که روزانه پذیرای زائرانی با فرهنگ‌های مختلف است که همگی برای حضور در مکان مطهر حرم رضوی (ع) قصد سفر به مشهد می‌کنند. بنابراین، مفهوم «زیارت» محوری‌ترین مفهومی است که پس از شنیدن نام مشهد، به ذهن خطور می‌کند. اهمیت مفهوم زیارت در خراسان به سابقه تاریخی حضور و شهادت امام رضا (ع) باز می‌گردد. از طرفی مفهوم گردشگری به عنوان پدیده‌ای نو در دنیای امروز مطرح می‌شود. در چند دهه اخیر با ظهور و رونق مفهوم مدرن گردشگری، یکی از مسائل مناقشه‌برانگیز در شهر مشهد همواره نسبت زیارت با گردشگری، تضادها یا تطابق آن‌هاست. این موضوع تا آنجا اهمیت پیدا می‌کند که گاهی حتی موجب بروز مناقشات جدی بر سر نامگذاری تابلوها و نشانه‌های شهری با عنوان راهنمای زائر یا راهنمای مسافر می‌شود. طرفداران گردشگری دلایل متعددی را از جمله بازدهی اقتصادی بالا و طرفداران زیارت دغدغه‌های هویتی را مطرح می‌کنند. این پژوهش با رویکردی کل‌نگر، نسبت زیارت و گردشگری را مورد مذاقه قرار داده است. به این منظور ابتدا به بررسی مختصر مبانی مفهوم زیارت و گردشگری و سپس به مطالعه سفرنامه‌ها به عنوان منابع تاریخی در روایت کل‌نگر رویدادها و تحلیل و کشف رابطه بین زیارت و گردشگری پرداخته است. نتیجه گویای آن است که مفهوم زیارت و گردشگری در مشهد دو مفهوم هم‌عرض نیستند بلکه با استناد بر یافته‌های تحلیلی از سفرنامه‌های مشهد، همواره زیارت عملکرد اصلی بوده و فعالیت‌های جنبی در طول آن قرار می‌گیرند. بدین ترتیب این دو مفهوم نه تنها تضادی با هم ندارند بلکه در صورت فهم درست از نسبت آن‌ها و به کارگیری این فهم در برقراری رابطه بین عناصر منظر شهر، مقوم و مکمل یکدیگر خواهند بود.

واژگان کلیدی گردشگری، زیارت، رویکرد کل‌نگر، منظر، مشهد.

مقدمه هسته اولیه شهر مشهد به واسطه قرارگیری مرقد امام هشتم شیعیان (ع) تشکیل و به تدریج با جذب و اسکان ارادتمندان به گرد این هسته، اجزا و استخوان‌بندی شهر نظام یافت. نظامی که اجزای آن هماهنگ با یکدیگر در جهت تحقق مفهوم «زیارت» به مثابه مولفه اصلی شهر ارتباط و انسجام گرفت. همزمان با شروع مداخلات مدرن‌سیتی و ورود مدرنیته به ایران و اقتضات زندگی مدرن، این نظام از تعادل

و انسجام خود خارج شد. ایجاد تشخیص‌های جعلی در برابر هویت اصلی شهر از جمله دستاوردهای دنیای مدرن برای شهر مشهد بوده است. در سال‌های اخیر فقدان نگاه کل‌نگر در شناخت و فهم کلیت، روابط و نظامات حاکم بر شهر، علت اصلی بروز مناقشات گوناگون بر سر مسائل هویتی بوده است. به نظر می‌رسد منشأ این مناقشات در درک نادرست از مفاهیم نامبرده و عدم شناخت صحیح از نسبت و رابطه آن‌هاست، چرا

* نویسنده مسئول: mahdi.hoseinzadeh@ut.ac.ir، ۰۹۱۵۶۰۰۶۴۳۶

که گردشگری و زیارت نه تنها تضادی با هم ندارند بلکه در صورت فهم صحیح و برقراری رابطه درست بین آنها، دیگر شاهد بروز این مناقشات نخواهیم بود. به همین جهت این پژوهش در پی پاسخ به سؤالات زیر به منظور تبیین صحیح دو مفهوم فوق خواهد بود:

- نسبت گردشگری و زیارت چیست؟

- فعالیت‌های جنبی زیارت در گذشته چه بوده است؟

روش پژوهش

این پژوهش به روش کیفی در پی خوانش، کشف الگوها و رابطه گردشگری و زیارت با رویکرد کل‌نگر منظر است. بنابر تعریف منظر، تفکیک کالبد و جنبه‌های ذهنی فضا، به دلیل ماهیت واحد و یکپارچه آن، که حاصل اتحاد عینیت و ذهنیت است، ممکن نیست. لذا در این پژوهش با اتکا به منابع کتابخانه‌ای ابتدا به بررسی مفاهیم زیارت و گردشگری و سپس با بررسی سفرنامه‌ها به مثابه اسناد روشنفکری در دوره‌های زمانی گوناگون و به‌عنوان منابع تاریخی در روایت کل‌نگر رویدادها، به تحلیل و کشف رابطه بین زیارت و گردشگری پرداخته شده است.

سفرنامه از جمله منابع روشنفکری در هر دوره محسوب می‌شود که نویسنده در آن ادراکات کلی و بی‌واسطه خود را از وقایع و رویدادهای گوناگون زمان خود به رشته تحریر در می‌آورد. از این جهت مطالعه سفرنامه‌ها و دیگر آثار روشنفکری هر دوره نظیر فیلم، کتاب، شعر و ... یکی از راه‌های خوانش منظر و درک معانی در هر زمان محسوب می‌شود.

لازم به ذکر است نگارندگان به چارچوب نظری رشته منظر که مخاطب را بهره‌بردار اصلی (شهروند) هر شهر می‌داند وفادار است. اما با توجه به موضوع و زمینه این نوشتار، قائل به دوگانگی‌هایی همچون زائر-مجاور یا زائر-گردشگر مذهبی نیست و همه افرادی را که به قصد زیارت به حرم مطهر مشرف می‌شوند را «مخاطب» می‌داند.

مفهوم گردشگری

گردشگری یک حوزه معرفتی جدید انسانی است که هنوز در میان تعابیر مختلف سرگردان است. گاهی به‌عنوان یک فعالیت و نه علم خوانده می‌شود و به برنامه‌هایی مبتنی بر حرکت در مکان وابسته می‌شود و گاهی به‌عنوان علمی میان‌رشته‌ای تعریف می‌شود و با اقتصاد، فرهنگ، جامعه و خدمات پیوند وثیق دارد.

در تعریف متأخرتر، گردشگری به فعالیت آن منوط نشده، بلکه به غایت فعالیت مربوط شده: گردشگری نظامی از معنا و معرفت است که فرصت یادگیری را برای گردشگران فراهم می‌کند. هرچند ماهیت گردشگری براساس

جابه‌جایی فیزیکی شکل می‌گیرد، اما آنچه آن را متمایز می‌کند تحولی مفهومی و حسی است که می‌تواند ایجاد کند. این تحول می‌تواند از تعامل با جامعه، محیط زیست، آثار انسان‌ساز یا فکر کردن و مشغول شدن به موضوعات جاری در سفر رخ دهد و براساس میزان آمادگی فردی سطوح متفاوتی دارد. بنابراین می‌توان از آن به‌عنوان فرصتی برای تجربه دنیای بیرون و ژرف‌نگری یاد کرد. ماهیت گردشگری به مثابه علم نوین همچنان سیال است و پیوسته ابعاد جدیدی برای آن تبیین می‌شود. در تعریف مورد نظر این مقاله، گردشگری دانش میان‌رشته‌ای و نوعی «نظام معرفت» است که براساس حرکت در مکان و تجربه فضا و رویدادهای آن استوار می‌شود (منصوری، ۱۳۹۹، ۶-۷).

مفاهیم زیارت و زیارت - گردشگری

«زیارت» یکی از مفاهیمی است که به حسب اغراض مختلف می‌توان تعاریف مختلفی از آن ارائه داد. مثلاً در عرف، به حسب نیازی که برای برقرار کردن ارتباط با افراد احساس می‌شود، تعریف زیارت را تا حد «دیدار کردن و بازدید کردن» معمولی تقلیل می‌دهند، یا برعکس در متون «روایی»، چون می‌خواهند کنش ارتباطی با معصومین یا با خدا را برقرار کنند، از زیارت تعبیری قلبی‌تر و عمیق‌تر ارائه می‌دهند و همچنین در علوم «جامعه‌شناختی» نظریات دیگری وجود دارد که به حسب اغراض مختلف تعریف‌های متفاوتی برای زیارت ارائه می‌کنند.

از آنجا که مشهد یا شهرهای زیارتی دیگر، از اقصی نقاط شهر، کشور و دنیا پذیرای مردم با فرهنگ‌ها، ادیان و مذاهب مختلف هستند، و همه این افراد برای حضور در این مکان‌های زیارتی، قصد این سفرها را می‌کنند، پس زیارتگاه را نمی‌توان صرفاً منحصر در مذهبی خاص یا فرهنگی خاص تعریف کرد (Durán-Sánchez et al., 2018, 249)؛ چرا که هم مأموریت امام مختص به فرهنگی خاص نبوده و نیست، و هم فضای معنوی‌ای که در این حرم‌ها وجود دارد، قابل استفاده برای افراد علاقه‌مند به این فضاها با انگیزه‌های مختلف نیز هست (تصویر ۱). بنابراین، غرض این پژوهش از اصطلاح «زیارت»، غرضی «جهان‌شمول» است به طوری که شامل حضور اقشار و فرهنگ‌های مختلف می‌شود.

• تعریف مفهوم «زیارت»

در این پژوهش مفهوم «زیارت» با سه رویکرد «لغوی»، «دینی» و «جامعه‌شناختی» مورد بررسی قرار گرفته است که هر کدام از این رویکردها ابعاد متفاوتی از زیارت را روشن می‌کنند؛ رویکرد «لغوی»، فهم عرفی و عمومی از زیارت را حکایت می‌کند؛ رویکرد «دینی»، مؤلفه‌های ارائه‌شده دین را از این کنش مطرح می‌کند؛ و در آخر مفهوم‌شناسی زیارت با

«Pilgrimage» در فرهنگ‌های انگلیسی به «سفری اطلاق شده است که به‌خاطر دلایل مذهبی فرد از مکانی مقدس بازدید می‌کند» (Macmillan, 2020; Collins, 2020; Oxford, 2020; Vo- cabulary.com, 2020; Webster, 2020) در برخی از فرهنگ‌ها هم به این اشاره شده است که این سفر را فرد برای «نشان دادن احترام» خود انجام می‌دهد (Cambridge, 2020).

بنابراین، دریافتی که عرف در زبان انگلیسی از «Pilgrim» دارند، به‌عنوان کسی است که در واقع سفری را برای دیدن و حضور در مکانی مقدس می‌رود، و انگیزه‌ای دینی دارد و مفهوم «سفر کردن» و «حضور در مکانی مقدس» و «دیدن» آن مکان در این تعریف پررنگ است.

- رویکرد «دینی»

منظور از تحلیل مفهوم «زیارت» با رویکرد «دینی»، بررسی روایات و آیاتی است که پیرامون «زیارت» وجود دارد. از منظر امامان شیعه، «زیارت» تعریفی متفاوت و نو پیدا می‌کند؛ در روایات به مفهومی با عنوان «زیارت از راه دور» اشاره و توصیه شده است و این نشان می‌دهد که اصل در زیارت، زیارت «نفوس» است، نه زیارت «قبور»؛ به تعبیری دقیق، زیارت قبور مقدمه زیارت نفوس است، چرا که اگر زیارت کردن خصوصیت حضور در محل قبور داشت، نباید زیارت از راه دور مورد توصیه معصومین قرار می‌گرفت.^۱

از طرفی، حضور امام منحصر در محدوده قبر ایشان نیست در حالی که مردم عادی حضور و توجهشان فقط معمولاً منحصر در همین محدوده است. بنابراین می‌توان گفت «زیارت»، نوعی ارتباط قلبی و نوعی ادراک بی‌واسطه است.

- رویکرد «جامعه‌شناختی»

بررسی جامعه‌شناختی «زیارت»، با مطالعه همزمان جنبه «عملی» و «نظری» زیارت پیش می‌رود (Collins-Kreiner, 2010, 10)؛ جامعه‌شناسان با بررسی انواع سفرهایی که مردم به مکان‌های مختلف و با انگیزه‌های مختلف انجام می‌دهند، مشاهده کردند که برخی گردشگران وجود دارند که به بازدید مکان‌های مقدس می‌روند و به دنبال تجربه معنوی یا شناخت این تجربه هستند؛ از طرفی برخی زائران هستند که جنبه‌های گردشگری و تفریحی را در سفر خود پیگیری می‌کنند (نیکنام، ۱۳۹۳، ۴۷)؛ بنابراین این سؤال برایشان جدی شد که تمایز ماهوی بین «زائر» و «گردشگر» چیست؟ و دیدگاه‌های مختلف در پاسخ این مسئله پدید آمد. برخی بین «زیارت» و «گردشگری» تضاد مفهومی قائل شده و معتقد به نظریه «واقع‌گرایی»^۲ شدند (Cohen, 1979, 183; Collins-Kreiner, 2018, 9). برخی دیگر، «زیارت» و «گردشگری» را دارای یک ماهیت می‌دانند که تنها ممکن است رفتارهای متفاوتی با هم داشته باشند، همچنین گردشگری را «زیارت دنیای مدرن» دانستند و نظریه «همگرایی»

رویکرد «جامعه‌شناختی»، با نظر به تجربه‌های مردم در کنش زیارت و بررسی رفتارها و انگیزه‌های آنان، به نگاه و شناختی از پدیده «زیارت» رسیده است. برای دستیابی به یک اصطلاح کاربردی در مورد امر زیارت، مطالعه جامعه‌شناختی مفهوم زیارت در این پژوهش بسیار حائز اهمیت است.

- رویکرد «لغوی»

برای دریافت کامل‌تر از مفهوم «زیارت»، لغت «زیارت» در سه زبان «عربی»، «فارسی» و «انگلیسی» بررسی شده است تا تصور «عرفی» و «عمومی» درباره «زیارت» به دست آید. در «لغت‌نامه دهخدا» زیارت این‌طور تعریف شده است:

«به مشاهد متبرک و بقعه‌ها رفتن و دعایی که به عنوان تشرف باطنی برای امامها و امامزاده‌ها و اولیا خوانند می‌گویند» (دهخدا، ۱۳۴۱، ۱۵۹۰).

در «فرهنگ معین» زیارت به معنای «دیدار کردن و رفتن به مکان مقدس» تعبیر شده است (معین، بی.تا). در «فرهنگ فارسی عمید» زیارت به معنای «بازدید کردن، دیدار کردن از شخص بزرگ یا رفتن به مشاهد متبرکه» آورده شده است (عمید، بی.تا). آنچه در بین این تعابیر در رابطه با زیارت ائمه مشترک است مفهوم «تشرف یا رفتن به مکانی مقدس» است.

تحلیل «لغوی» زیارت در زبان عربی از اهمیت بیشتری برخوردار است چراکه که اصل این لغت عربی است. «فیومی» و برخی دیگر از لغت‌دانان، «زیارت» را در عرف به معنای «قصد کردن زیارت‌شونده به خاطر اکرام او و مانوس شدن با او» تعریف کرده‌اند (طریحی، ۱۳۷۵، ۳۲۰؛ فیومی، ۱۳۷۹، ۱۶۵).

اما در ریشه لغت زیارت «ز-و-ر»، نوعی «عدول از جریان ظاهری و میل به امر باطنی» وجود دارد که این معنای اصلی، در استعمالات این ریشه نیز مشاهده می‌شود؛ مثلاً در معنای لغت «الزور» گفته شده است که آن، «کذب است؛ به این خاطر که میل‌کننده از طریق حق است»؛ یا در لغت «زور» که از مشتقات همین ماده است، معنای «عدول از طریقه‌ای خاص» معتبر است (ابن فارس، ۱۳۶۹، ۳۶؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ ه. ق.، ۳۸۴؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ۲۹۹). البته لازم به ذکر است که در «تزویر» این‌طور گفته شده است که «تزویر»، «عدول از طریقه‌ای است در باطن، منتها به‌طوری که در ظاهر نزدیک به قبول و پذیرش سامع و شنونده باشد» (ابن فارس، ۱۳۶۹، ۳۶؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ ه. ق.، ۳۸۴؛ عسکری، ۱۴۰۰ ه. ق.، ۳۸).

بنابراین در ریشه و اصل معنوی «زیارت»، نوعی «عدول باطنی» از «مسیر ظاهری» معتبر است، به‌طوری‌که «صورت ظاهری» حفظ گردد (مصطفوی، ۱۴۳۰، ۳۸۴).

«Pilgrim» به لحاظ زبان شناختی، از «pilegrin» مشتق شده است و «pilegrinus» از «pelegrinus» به معنای «فرد خارجی» یا فردی که از بیرون به جایی وارد می‌شود مشتق شده است (Harper, 2020).

فعالیت‌ها و گردشگران آن می‌پردازند؛ روایتی از مفاهیم شهر و حیات آن، که در بطن مکان صورت گرفته و قابل تفکیک از آن نیست. در اغلب سفرنامه‌ها، در بستری کالبدی به روایتی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی از شهر پرداخته شده که از اجماع آنها هویت و منظر شهر قرائت می‌شود (مخلص، ۱۳۹۹، ۸).

«آرمین وامبری»، جهانگرد مجاری، در اولین روز آذر ۱۲۴۲ وارد مشهد شد، وی با توصیف کلیت شهر، به زیبایی، نظام کالبدی، اجتماعی، عملکردی، فرهنگی و به طور کلی منظر شهر را تصویر می‌کند:

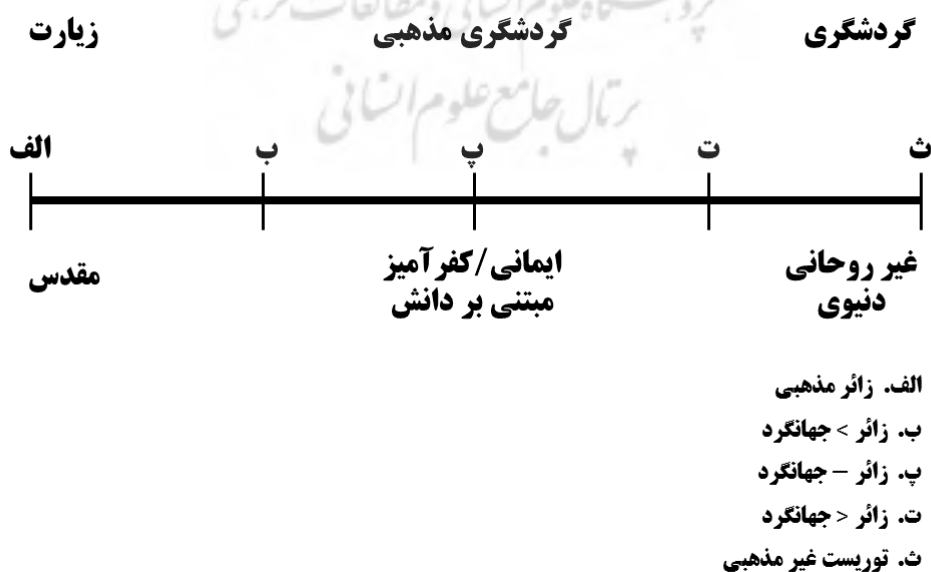
«در مشهد در امتداد خیابان مطول و عریضی به نام پایین خیابان به سوی صحن شریف حرکت کردیم. کانال پهنی که درون شهر پیچاپیچ می‌خورد و در ساحل آن درختانی با سایه دلپذیر کاشته‌اند، منظره‌ای مطبوع پیش چشم می‌نهاد؛ در واقع این خصیصه‌ای است که مشهد را یکی از جذاب‌ترین شهرهای ایران کرده است. اجتماع مردمی که نماینده همه‌گونه نژاد آسیایی و پیرو مذهب شیعه هستند، جالب‌ترین ویژگی را به خیابان‌ها، که آکنده از تپش ولوله زندگی است، می‌بخشد. به هر کجا که نگاه کنی، البسه رایج در ایران و تمام شرق آسیا را می‌بینی. به زمان زیادی نیاز ندارید تا به این حقیقت پی ببرید که مشهد یکی از پایگاه‌های مذهب تشیع است» (وامبری، ۱۳۷۲، ۲۶۸). در ادامه سفرنامه نگارنده به توصیف فعالیت‌ها و عملکردهای پیرامون خیابان تا حرم می‌پردازد: «در جوار مرقد معظم امام تا چندصد قدم مرکز گنج‌کننده‌ترین مناظر و صدهاست. کثرت عظیمی از مردها در کنار سایه‌بان یا دستگاه اجناس خود یا در جلو مغازه‌ها، در دو طرف خیابان می‌ایستند و یا در خیابان‌ها در حالی که کالاهایشان را بر روی سر یا شانه یا دست حمل می‌کنند، حرکت کرده و راه خود را از میان

شکل گرفت (نودهی، بهروان، یوسفی و محمدپور ۱۳۹۴، ۱۹۹).

برخی هم بین این «واگرایی» و «همگرایی» جمع کرده و معتقد به طیفی بودن «زیارت» و «گردشگری» شدند، به طوری که یک طرف طیف را زیارت‌کنندگان زاهد و عابد قرار داد و طرف دیگر را گردشگران کامل سکولار که تنها به دنبال تفریح و جنبه مادی سفر هستند و نقاط میانی این طیف کسانی قرار می‌گیرند که هم جنبه «گردشگری» دارند و هم جنبه «زیارتی». با این طیف‌بندی، در کنار مفهوم زائر، مفهومی با عنوان «گردشگر زیارتی» شکل گرفت (Collins-Kreiner, 2010 B, 442; Durán-Sánchez et al., 2018, 4; Sánchez et al., 2018, 4; Collins-Kreiner, 2010 A, 4). بنابراین، مفهوم «زیارت»، از شکل قبلی خود فاصله گرفته و دامنه وسیع‌تری از سفرها را دربرگرفت. مثلاً کسی که می‌خواهد برای شناخت فرهنگ، آداب، معماری یا تجربه معنوی به حرم مطهر یا هر مکان مقدس دیگر سفر کند، سفر او مصداق مفهوم «زیارت» تعریف می‌شود، اما کیفیت معنوی که در سفر او وجود دارد پررنگ‌تر می‌شود و از شکل گردشگری صرف فاصله می‌گیرد.

نسبت زیارت و گردشگری بر مبنای مطالعه سفرنامه‌ها

یکی از روش‌های کشف ادراکات مخاطبان تحلیل آثار روشنفکری اعم از فیلم، عکس، شعر، سفرنامه و ... تولیدشده در بستر مورد مطالعه است. در این پژوهش به منظور استخراج و کشف رابطه گردشگری و زیارت در گذشته از سفرنامه‌های نگاشته‌شده در شهر مشهد بهره برده شده است. این منابع به توضیح اجزای تشکیل‌دهنده هر شهر، رویدادهای سیاسی-اجتماعی، فرهنگی،



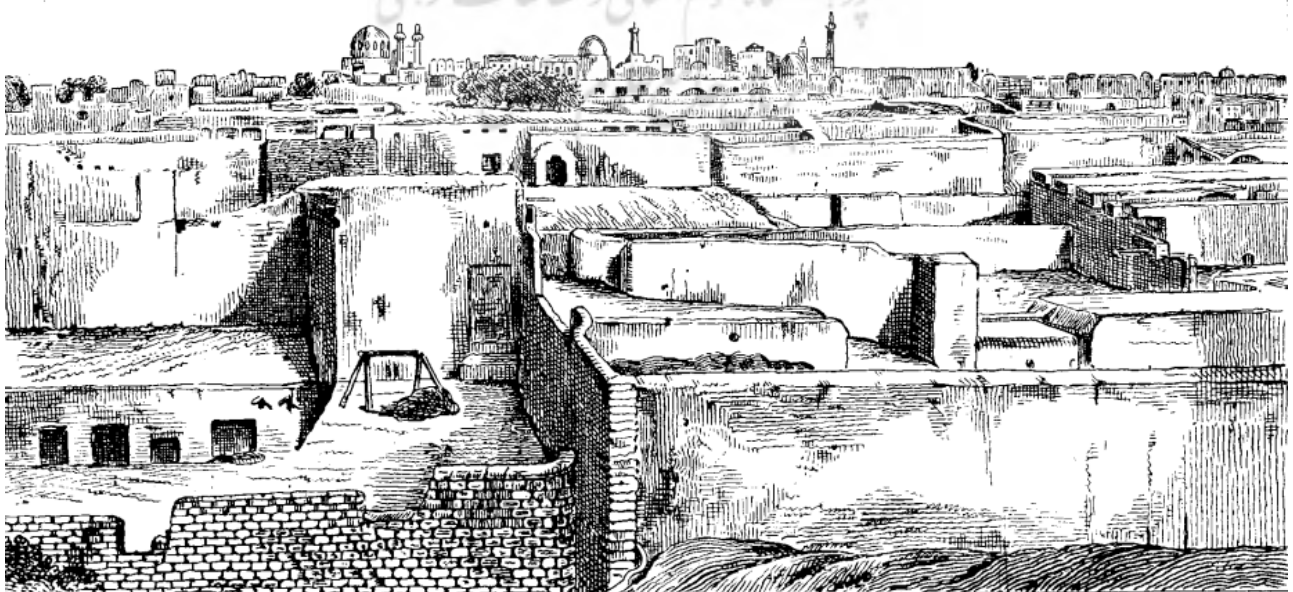
تازه‌واردی می‌تواند مهمان او باشد؛ اما این مهمانداری از نظر زمان به هفت روز محدود است» (همان، ۲۷۴). از بازدیدهایی که وامبری در سفر خود به مشهد بعد از زیارت اشاره می‌کند، بازدید از توس و مزار فردوسی است: «در میان خرابه‌های توس در شمال مشهد، طبق باور کنونی ایرانیان، مزار فردوسی یکی از بزرگ‌ترین شاعران حماسی ایران قرار دارد. پیش از ترک شهر سفر کوتاهی به توس رفتم» (همان، ۲۷۹).

کلنل مک گرگر اسکاتلندی (در سال ۱۸۷۵ م/ ۱۲۵۳ ه. ش.) شهر مشهد را این‌گونه توصیف کرده است:

«در حقیقت مشهد چیزی ندارد که انسان به خاطر دیدن آن به این شهر سفر کند و یا اگر دست سرنوشت، گذارش را به این محل انداخته است به خاطر آن بیشتر بماند. تنها یک بنای آن به دیدنش می‌ارزد و آن هم حرم امام رضا (ع) است، که البته اروپاییان هرگز اجازه ورود به آن را ندارند، مگر با به خطر انداختن خود، که به عواقبش نمی‌ارزد (مک گرگر، ۱۳۶۶، ۲۴۹)؛ (تصویر ۲).

وجه مشخصه مشهد خیابان کاملاً مستقیم آن است که آبی از میان آن می‌گذرد و دو طرف آن درختکاری وجود داشته است. مردم در این آب هم آب‌تنی می‌کنند هم لباس‌هایشان را می‌شویند و هم از آن می‌نوشند... این «خیابان» به جز آن‌جا که به حرم می‌رسد، از میان شهر عبور می‌کند. از میان آن نهر آب کثیفی می‌گذرد که در چند نقطه بر روی آن سکوهایی ساخته‌اند و مردم بدون توجه به بوی بد آن بر روی این سکوها می‌نشینند و تفریح می‌کنند. گفته می‌شود دو طرف خیابان در گذشته درختکاری شده بود، ولی در حال حاضر تنها بالای خیابان به این درخت‌های باشکوه آراسته است. «خیابان» بی‌تردید آنچه را که یک خیابان زیبا باید داشته باشد، دارد (همان، ۲۵۵).

جمعیت باز می‌کنند» (همان، ۲۶۹). با تعمق در نظام عملکردی و رفتاری مخاطبان در اطراف حرم به وضوح اهمیت جایگاه زیارت به عنوان مهم‌ترین فعالیت و رفتار مخاطبان در شهر مشهد فهم می‌شود. به طوری که دیگر فعالیت‌ها و عملکردها زیرمجموعه آن تعریف می‌شوند؛ آنجایی که «وامبری» می‌نویسد: «این جمع در حال رفت‌وآمد هستند و از دروازه شهر خارج یا وارد می‌شوند. در همان حال امر مهم زیارت به چابکی و ادای یکنواخت کلمات جریان خود را طی می‌کند. به زائرنی که کار زیارت را به پایان برده‌اند «زیارت قبول» می‌گویند و به آنانی که در آغاز راه هستند «التماس دعا» گفته می‌شود» (همان، ۲۶۹). «به‌علاوه هیچ شهری در شرق ایران به اندازه مشهد نیست که با انواع دیدنی‌هایش حس کنجکاوی را برانگیزد... عظمت شهری مشهد با غنای یادبودهایش به یکسان برای محصلان تاریخ، جویندگان مناظر مقدس و نیز مردان ادب حیرت‌آور است و مشکل بتوان تصمیم گرفت که از کجا باید شروع کرد» (همان، ۲۷۲). در ادامه نویسنده ضمن توصیف تزیین و وجوه زیبایی‌شناسانه و معماری بنا تجربه خود از زیارت و بعد از آن را این‌گونه بیان می‌کند: «کسانی که در درون بودند فقط بازدیدکنندگان صرف به شمار نمی‌رفتند که برای ارضای کنجکاوی خود آمده باشند. اینان زائرنی متقی در زیارتگاهی مقدس بودند که اخلاص سکوت‌آمیزی بر چهره‌شان نقش بسته بود و دلالت بر وجد و خلوص و دلشکستگی عمیق و فروتنی آن‌ها می‌کرد... در همان حال بر لبانشان زمزمه دعا جاری بود که گاه با گریه‌ای بلند، که سینه‌هایشان سرشار از آن است منقطع می‌شد... در حالی که راه خود را از میان زائران و سائلان فراوان در همان جهتی باز می‌کردم که منتهی به خروج از این بنای باشکوه می‌شد، به سوی تالار ناهارخوری امام رضا (ع) یا به زبان محلی، آشپزخانه حضرت، حرکت کردم... او بسیار مهمان‌نواز است و هر



تصویر ۲. حرم امام رضا (ع) در مشهد. مأخذ: مک گرگر، ۱۳۶۶، ۲۵۲.

کرزن، دولتمرد انگلیسی چند سال بعد از گرگر به مشهد سفر کرده، می‌نویسد:

«مک گرگور در سال ۱۸۷۵ درست خاطر نشان ساخت که آثار کمی در این شهر هست که مایه ترغیب سفر به آنجا شود و یا اگر توفیق سفر دست داد اقامتی طولانی را ایجاب نماید. فقط یک بنای بسیار دیدنی هست و آن بارگاه امام رضا (ع) است که آن را نیز اروپائیان اجازه تماشا ندارند مگر با احتمال خطر که منافعی احتیاط و دوراندیشی است و به راستی که موجب نهایت برآشفستگی است که انسان از راه خیابان پیش می‌رود و ناگهان راه را به وسیله طاقی مسدود می‌یابد که در وسط دیواری است که گرداگرد بناهای مقدس را محصور و آن را از نظر عیسویان با همان صلابتی مستور ساخته است که ریسمان آرون بین زندگان و اموات مایل است، ولی از توضیحاتی که بعضی از اروپائیان که آنجا را دیده‌اند باقی گذاشته و با شرحی که خود مسلمین درباره آن نوشته‌اند و گفته‌اند می‌توانیم نظریه صحیحی راجع به آن اتخاذ کنیم» (کرزن، ۱۳۴۷، ۲۱۸). «در حوالی مشهد چیز قابل ملاحظه‌ای نیست. شرح مسجد خواجه ربیع را سابقاً ذکر کردم که دراصل به سال ۱۶۹۹ میلادی برای مراسم عید قربان ساخته شد. مک گرگور نوشته است که تنها محل ویران قابل توجه اطراف مشهد بوده که چون به کلی خراب شده است دیگر مورد اعتنا نیست، مسافران شاید درصدد برآیند که سواره به عزم دیدار خرابه‌های طوسی بروند» (همان، ۲۴۱). وی همچنین از شباهت خیابان مشهد با شانزلیزه البته از نظر شرقیان سخن گفته است: «آنجا خیابان (یا بولوار) نام دارد و در نظر اهل شرق عین شانزلیزه باشکوه و جلال می‌نماید. در میان آن کانالی هست... می‌گویند که لبه کانال و کف خیابان و پل‌ها در سابق با سنگ ساخته شده بود... در دو سمت آن (کانال) به صورت نامرتبی درخت چنار و توت و نارون و بید کاشته‌اند... در دو طرف درختان پیاده‌رو و سپس دکان‌های بازار است که بسیار جالب توجه است» (همان، ۲۱۶-۲۱۵).

آرتور کمبل بیت در سال ۱۸۸۵ م. (۱۲۶۳ ه. ق.) شمسی به مشهد سفر کرده است. وی درباره شهر مشهد، خیابان (چهارباغ) آن و باغ‌های احداث شده در طول این خیابان چنین نوشته است:

«مسیر اصلی در اینجا «خیابان» نامیده می‌شود که واقعاً زیباست و پهنای مناسبی دارد. مغازه‌ها، خانه‌ها و باغ‌ها در طول آن قرار دارد و در مرکز آن دو ردیف درخت چنار زیبا کاشته شده است. علاوه بر این، تلگراف‌خانه نیز در این خیابان مستقر شده و مقبره امام رضا در بخش جنوب شرقی واقع است... در سمت مغرب شهر تا چشم یارای دیدن داشت، باغ‌های خرمی گسترده شده؛ اما در سمت مشرق، این‌گونه باغ‌ها انگشت‌شمار بود یا ابدأ از خرمی نشانی نداشت» (Yate, 1887, 365).

میرزا حسن موسوی اصفهانی از علمای شهر اصفهان است. وی به مدت یک سال (۱۳۱۵ تا ۱۳۱۶ ه. ق.) ۱۲۷۶

ه. ش.) به قصد زیارت ابتدا به مشهد و از آنجا به مکه و عتبات رفته و اطلاعات سفر خود را ثبت کرده است: «... و مدرسه میرزا جعفر درش در صحن مطهر است. بسیار مدرسه با شکوه خوبی است. و کتابخانه حضرت در ایوان طلای نادری طرف در توحیدخانه واقع است که کتاب‌ها و قرآن‌های گران‌قیمتی در آن یافت می‌شود. مشهور است که این قتلگاه با زمین صحن و خیابان این طرف و آن طرف صحن ملک خود حضرت است که اولاً باغی بود از حمید بن قحطبه که در زمان مأمون از او ابتیاع فرمودند، و این خیابان پایین و بالای صحن مقدس خیلی وسیع و طولانی است. و از دروازه پایین که وارد این خیابان می‌شوی تا دروازه بالا که بیرون می‌روی، از راست و چپ متصل به هم دکان است که عمده بیع و شرای مشهد در آنجا می‌شود و مدرسه‌ها و حمام‌ها و کاروانسراها بسیار در این خیابان هست. به خصوص مدرسه‌های متعدد به فاصله‌های کم در آن دیده شد. کرایه زمین این دکاکین را می‌گویند به اسم حضرت می‌گیرند و صرف آستانه مبارک می‌شود. کسی می‌گفت در سال نود هزار تومان می‌شود العهد علی الراوی. می‌گویند حضرت هزار و پانصد خدمه دارند و دو آشپزخانه دارند. یکی مال خدمه است که در صحن نو واقع است، و یکی مال زوار که در خیابان بالا، دست چپ وقت رفتن واقع است. و می‌گویند در هر شبانه روزی دویست مجمع نهار و شام از کارخانه حضرت برای اجزای آستانه مبارک بیرون می‌آید.» (موسوی اصفهانی، ۱۳۹۲، ۱۱۶).

ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۶۱، ۱۶۵-۱۹۰) در سفرنامه خراسان خود به سال ۱۳۰۰، ضمن ثبت مناسک زیارت از حرم مطهر، بناها و تزیینات ارزشمند در محدوده حرم همچون مسجد گوهرشاد را توصیف کرده است. همچنین به باغات خصوصی و حکومتی مختلف مشهد که در آنها اقامت می‌گزیده و بازدید خود از زیارتگاه، باغ خواجه ربیع و روستاهای بیلاقی اطراف مشهد همچون طرقله اشاره کرده است.

حاجی داوود ناصر که از اهالی ثروتمند بمبئی است در سال ۱۳۰۵ همراه با همسر و هفت فرزندش عازم مشهد می‌شود. وی در طول اقامت حدود سی‌روزه خود در مشهد اطلاعات مفیدی از شهر را ثبت کرده است.

«ساعت ۳:۰۴ به مقصد رسیدیم. حمام رفتیم و با ذکر صلوات و با حالت تضرع وارد حرم مبارک شدیم. پروردگار پاک را سپاس می‌گوییم که با عنایت او بدون هیچ زحمت و مشکلی مسافرت خود را از بمبئی شروع کردیم و پس از ۹ روز و ۲۰ ساعت، در دهمین روز به مشهد مقدس رسیدیم» (ناصر، ۱۳۹۵، ۳۷). وی در ادامه می‌نویسد: «دو باغ عمومی در مشهد وجود دارد. یکی بزرگ به نام باغ ملی که پردرخت است و نیمکت‌هایی برای استراحت در آن تعبیه شده است. علاوه بر آن، جایگاهی برای صرف چای، فالوده و انواع شربت نیز وجود دارد. افراد زیادی برای

برداشت می‌شود که حرم مطهر و امر زیارت همواره در طول تاریخ مهم‌ترین شاخصه شهر مشهد بوده، به طوری که تمامی فعالیت‌های جنبی دیگر در شهر مشهد ذیل آن جای داشته است. بنابراین «زیارت» اصیل‌ترین و مهم‌ترین عنصر هویتی در مشهد بوده که منظر شهر همواره متأثر از این اصل کلی و مبنایی بوده است.

بررسی الگوهای زیارت مخاطبان گویای تفاوت رفتار آن‌ها قبل و بعد از زیارت و نسبت آن با گردشگری است. رفتارها و فعالیت‌های قبل، متمرکز بر زیارت و پس از آن، به دلیل فراغ بال و آرامش روح، نیاز به گذراندن اوقاتی خوش و فراغت است. عمده فعالیت‌های جنبی زیارت که در سفرنامه‌ها به آن‌ها اشاره شده است، عبارت‌اند از: بازدید از بناهای تاریخی و ارزشمند محدوده حرم، آرامگاه‌های بزرگان و شخصیت‌های مذهبی و سیاسی، دیدار با علما و بزرگان دینی، رفتن به مهمانسرا و صرف غذای نذری حضرت، خرید سوغاتی و مایحتاج سفر، رفتن به دارالشفای و بیمارستان حضرت و در مواقعی سفر به بیلاقات شهر مانند کوه‌سنگی و روستاهای اطراف (تصویر ۳).

بنابراین همان‌گونه که علت وجودی شهر مشهد و هسته اولیه شکل‌گیری آن به حرم مطهر امام وابسته بوده است؛ در طول تاریخ تمامی فعالیت‌ها و عملکردهای گوناگون نیز در طول آن و ذیل این مفهوم قرار گرفته‌اند و در واقع شهر مشهد به غیر از این هیچ وجه برتری و تمایزی از دیگر شهرها ندارد. اما امروزه به دلیل گسترش امکانات رفاهی و زیرساخت‌های لازم جهت سفر و گردشگری می‌بایست ضمن برطرف کردن نیازهای تفریحی و اوقات فراغت شهروندان، با خوانش صحیح این الگوها و ثبت آن‌ها، اقدامات و مداخلات را متناسب با این الگوی اصیل برنامه‌ریزی کرد. شناخت این الگو و به‌کار بستن آن در برنامه‌ریزی و اقدامات مداخلاتی مثبت در جهت ارتقای منظر شهری از طریق بهبود ادراک مخاطبان از شهر خواهد بود.

پس هر گونه مداخله در کلیت و به‌تبع آن در نظام فعالیت‌های عملکردی شهر که در آن عناصر و عملکردهایی شاخص در عرض حرم و امر زیارت واقع شود، اقدامی تضعیف‌کننده هویت و منظر شهر خواهد بود، ولی در صورتی که این مداخلات با به‌رسمیت‌شناختن هویت اصلی شهر باشد، در طول آن قرار می‌گیرد و می‌تواند با برطرف کردن نیازهای اقشار مختلف جامعه، اقدامی در راستای تداوم هویت شهر و سنت حاکم بر آن باشد. بدیهی است که در این رویکرد گردشگری و زیارت نه تنها تعارضی با هم ندارند بلکه مقوم و تکمیل‌کننده هم هستند. لازم به ذکر است که تجربه مداخلات شهری در سال‌های اخیر و نگاه جزءنگر به شهر و توسعه آن، به‌خصوص در شهر مشهد گویای آن است که مداخلاتی که در راستای تداوم هویت شهر نبوده و نسبت به معانی آن بی‌تفاوت بوده‌اند، تا حد زیادی مخرب بوده و به شکست انجامیده‌اند.

قدم‌زدن به آنجا می‌آیند. این باغ در کنار ارگ مشهد قرار دارد. باغ دیگر معروف به باغ نادری است به یاد نادرشاه معروف، کسی که به هند حمله کرد و اکنون در آنجا مدفون است. باغ‌های دیگری نیز در حومه مشهد قرار دارد که گل محمدی را از آنجا می‌آورند و عطر آن بسیار خوشبوست. همه مردم فقیر و ثروتمند از این گل، بوته‌ای در منزل دارند» (همان، ۴۷-۴۸). «علاوه بر خیابان‌های اصلی و بزرگ، تعداد زیادی کوچه و خیابان باریک نیز در شهر وجود دارد. همه نوع دکان در بالاخیابان و پایین خیابان وجود دارد که مبدأ این هر دو خیابان فلکه حضرت است» (همان، ۴۹). «در مشهد سه بیمارستان عمده وجود دارد. یکی از آنها که با بودجه آستان قدس رضوی اداره می‌شود، درالشفاء حضرت است که البته برای عموم به خصوص معالجه زوار در نظر گرفته شده است. بیمارستان دیگر زیر نظر دولت بریتانیاست و یک دکتر زرتشتی به نام خانم دمیری آن را اداره می‌کند. این بیمارستان روزانه ۳۰۰ بیمار را رایگان معالجه می‌کند.» (همان، ۴۸).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در همه سفرنامه‌های بررسی‌شده در این پژوهش پیرامون شهر مشهد معمولاً بخش عمده نگارش به توصیف نقش و جایگاه حرم در شهر و فعالیت‌های مرتبط با آن پرداخته شده است و این‌گونه



تصویر ۳. نسبت امر زیارت با گردشگری. مأخذ: نگارندگان.

پی‌نوشت

۱. سدیر گفت: حضرت صادق علیه السلام به من فرمود: ای سدیر، آیا هر روز قبر حسین بن علی علیه السلام را زیارت می‌کنی؟ عرض کردم: خیر، فرمود: چقدر شما جفاکارید! ... عرض کردم: بین ما و قبر او فرسخ‌ها فاصله است! فرمود: به بلندی برو، به سمت راست و چپ خود توجه کن، سرت را سوی آسمان کن و سپس به سوی

۲. بنگرید به: نودهی و همکاران، ۱۳۹۴. عاملی، ۱۴۰۹ ه. ق.، ۴۹۴. «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ». اگر چنین کنی، برای تو یک زیارت نوشته می‌شود (حر)

فهرست منابع

دوگانه زائر-گردشگر، گونه‌شناسی تجربه سفر زائران مرقد منور امام رضا (ع). راهبردی اجتماعی فرهنگی، ۴(۱۵)، ۱۹۳-۲۱۷.

• نیکنام، کامبیز. (۱۳۹۳). مقایسه دو مفهوم گردشگر و زائر. منظر، ۶(۲۹)، ۴۶-۵۱.

• وامبری، آرمین. (۱۳۷۲). زندگی و سفرهای وامبری، دنباله سیاحت درویشی دروغین (ترجمه محمدحسین آریا). تهران: علمی و فرهنگی.

• Durán-Sánchez, A., Álvarez-García, J., Río-Rama, D., De la Cruz, M. & Oliveira, C. (2018). Religious tourism and pilgrimage: Bibliometric overview. *Religions*, 9(9), 249.

• Harper, D. (2020). Retrieved from www.etymonline.com.

• *Oxford*. (2020). Retrieved from <https://en.oxforddictionaries.com/definition/experiment>.

• *Vocabulary.com*. (2020). Retrieved from www.vocabulary.com.

• *Webster*. (2020). Retrieved from www.ldoceonline.com.

• *Collins*. (2020). Retrieved from www.collinsdictionary.com.

• *Macmillan*. (2020). Retrieved from www.macmillandictionary.com.

• *Cambridge*. (2020). Retrieved from dictionary.cambridge.org.

• Collins-Kreiner, N. (2010 A). Researching pilgrimage: Continuity and transformations. *Annals of tourism research*, 37(2), 440-456.

• Collins-Kreiner, N. (2010 B). The geography of pilgrimage and tourism: Transformations and implications for applied geography. *Applied geography*, 30(1), 153-164.

• Collins-Kreiner, N. (2018). Pilgrimage-tourism: common themes in different religions. *International Journal of Religious Tourism and Pilgrimage*, 6(1), 8-17.

• Cohen, E. (1979). A phenomenology of tourist experiences. *Sociology*, 13(2), 179-201.

• Yate, A. C. (1887). *England and Russia face to face in Asia: travels with the Afghan Boundary Commission*. London: William Blackwood and Sons.

• ابن فارس. (۱۳۶۹). معجم مقاییس. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

• حر عاملی (۱۴۰۹ ه. ق.). *وسائل الشیعه*. قم: آل البيت.

• فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ ه. ق.). *العین*. (المجلد ۴). قم: هجرت.

• دهخدا، علی اکبر. (۱۳۴۱). *لغتنامه دهخدا*. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

• طریحی. (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. تهران: مرتضوی.

• عسکری. (۱۴۰۰ ه. ق.). *فروق فی اللغة*. بیروت: دار الافاق الجدیده.

• معین، محمد. (بی. تا). فرهنگ معین. تاریخ مراجعه: ۱۴۰۰/۰۹/۲۵. قابل دسترس در: <https://abadis.ir/moeeen/>

• عمید، حسن (بی. تا). فرهنگ فارسی عمید. تاریخ مراجعه: ۱۴۰۰/۰۹/۲۵. قابل دسترس در: <https://abadis.ir/amid/>

• فیومی. (۱۳۷۹). *المصباح المنیر*. قم: موسسه دارالهیجره.

• کرزن، جرج. ن. (۱۳۴۷). *ایران و قضیه ایران*. (ترجمه غ. وحید مازندرانی). (ج. ۱). تهران: علمی و فرهنگی.

• مخلص، فنوش. (۱۳۹۹). نقش مفهومی مرکز شهر در گردشگری شهری بر مبنای روایت سفرنامه‌ها. گردشگری فرهنگ، ۲(۱)، ۵-۱۰.

• مصطفوی، حسن. (۱۴۳۰ ه. ق.). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. بیروت-قاهره-لندن: دارالکتب العلمیه/ مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.

• مک گرگر، سی. ام. (۱۳۶۶). شرح سفری به ایالت خراسان (ترجمه مجید مهدی‌زاده). (ج. ۱). مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.

• منصوری، سیدامیر. (۱۳۹۹). گردشگری فرهنگ، با تکیه بر تفاوت مفهومی فرهنگ و فرهنگی. گردشگری فرهنگ، ۱(۱)، ۵-۸.

• ناصر، داوود. (۱۳۹۵). *زائری از بمبئی به مشهد* (ترجمه سیدحسین رئیس‌السادات). مشهد: به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی).

• ناصرالدین شاه قاجار. (۱۳۶۱). *سفرنامه خراسان به خط کلهر*. تهران: بابک.

• نودهی، فرامرزی؛ بهروان، حسین؛ یوسفی، علی و محمدپور، احمد. (۱۳۹۴). فراسوی

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Tourism of Culture journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

حسین‌زاده، مهدی و رادمنش، بهادر. (۱۴۰۱). واکاوی نسبت زیارت و گردشگری با رویکرد کلنگر بر مبنای روایت سفرنامه‌ها. گردشگری فرهنگ، ۳(۸)، ۲۹-۳۶.

DOI: 10.22034/TOC.2022.323732.1068

URL: http://www.toc-sj.com/article_147239.html

